

آیین‌های سوگواری محرم در عصر قاجاریه از منظر سیاحان غربی



• پرستور رحیمی *

چکیده

عصر قاجاریه نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌رود. دوره‌ای که در آن آیین‌های سوگواری ماه محرم از شکلی صرفاً مردمی و سنتی به پدیده‌ای ترکیبی از هویت مذهبی، هنر نمایشی و ابزار مشروعیت‌بخشی سیاسی تبدیل شد. در این دوره، ماه محرم و مناسک آن فراتر از آیینی مذهبی، به یکی از محوری‌ترین پدیده‌های اجتماعی ایران بدل شد و همبستگی اجتماعی را حول محور دین و مذهب ایجاد کرد. این جستار با تکیه بر یادداشت‌ها و روایت‌های سیاحان و جهانگردان غربی مانند مادام کارلا سرنا و لیدی مری شیل، به واکاوی نحوه برگزاری این مراسم، تغییرات فضای شهری، عناصر هنری نظیر تعزیه و ابعاد گوناگون اجتماعی آیین‌های سوگواری در عصر قاجاریه می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که حمایت شاهان قاجار، به ویژه ناصرالدین‌شاه، ورود عناصر هنری جدید به سنت دیرینه تعزیه‌خوانی و روضه‌خوانی و نیز کارکرد اجتماعی تکیه‌ها، محرم را به عرصه پیوند میان قدرت سیاسی، توده مردم و هویت شیعی تبدیل کرد. مشاهدات این سیاحان نشان می‌دهد که جامعه ایران در این ایام دگرگونی ظاهری و رفتاری عمیقی را تجربه می‌کرده است؛ دگرگونی‌هایی که از تغییر پوشش عمومی، معماری نکایا و خلق فضای اختصاصی تکیه دولت تا باور به ثواب جمعی، اطعام عمومی، اختلاط طبقاتی عزاداران و بازنمایی شخصیت‌های اروپایی در تعزیه‌ها را شامل می‌شده است.

واژگان کلیدی: محرم، آیین، عصر قاجاریه، سیاحان اروپائی.

* کارشناسی ارشد، تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

ماه محرم برای مسلمانان هنوز هم اهمیت و احترام فراوانی دارد. هر ساله با شروع این ماه، جلوه شهرها دگرگون می‌شود و هیئت‌های مذهبی و مساجد برنامه‌های خاصی برای این ماه و به ویژه دهه اول محرم، تدارک می‌بینند. این عزاداری در گذشته نیز با حساسیت ویژه‌ای برگزار می‌شده است. از این رو، سوگواری برای سیدالشهداء(ع) از سده‌ها پیش در جامعه ایران بر پا می‌شده است، اما ویژگی منحصر به فرد آن در دوره‌های متأخر، به ویژه عصر قاجاریه، یکی، جلب توجه سیاحان و جهانگردان خارجی به این مراسم است و دیگری آن است که صرفاً آیین مذهبی ساده‌ای نبود، بلکه لایه‌های زیست شهری و روستایی جامعه ایران را تحت تأثیر قرار می‌داد. با آغاز دهه اول محرم، نخستین جنبه‌ای که نظر ناظران غربی را، که در این برهه زمانی در ایران حضور داشتند، به خود جلب می‌کرد، تغییرات ظاهری شهرها و نیز پوشش مردم بود. به استناد گفته‌های یکی از آنان؛ «در ایام اولین دهه ماه محرم، شاه و رعایایش لباس عزا به تن می‌کنند. رنگ‌های سیاه به عنوان لباس سوگواری شناخته شده است، ولی بسیاری از مردم کمربندهایی به همین رنگ با نقش‌های نارنجی بر دور کمر می‌بندند. مردان طبقات پایین به عنوان علامت عزا دامن پیراهن خود را بیرون گذاشته و دکمه یقه آن را باز می‌کنند.»^۱ جدای از توضیح و تشریح‌هایی که از این مراسم در کتاب‌های گوناگون یافت می‌شود، باید توجه داشت که در میان ناظران خارجی گزارش‌های زنان سیاح به دلیل زاویه دید خاص و دسترسی به فضاهای زنانه و حریم‌ها ارزش تاریخی منحصر به فردی دارد.

۲. مادام کارلا سرنا و روایت ساخت تکیه دولت

مادام کارلا سرنا نخستین زن جهانگردی است که در سال ۱۲۵۶ش/۱۸۷۷م، مصادف با سی‌امین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه، از راه دریای خزر به ایران آمد.

۱- کارلا سرنا؛ سفرنامه مادام کارلا سرنا؛ آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ص ۱۶۹.

البته نخستین ملاقات این بانوی ایتالیایی با ناصرالدین‌شاه در پاریس صورت گرفته بود. او مشاهدات و تجربیات خود را در قالب سفرنامه‌ای تدوین کرد که این سفرنامه با عنوان سفرنامه مادام کارلا سرنا؛ آدم‌ها و آیین‌ها در ایران به چاپ رسیده است. این کتاب در باب احوال، خلق و خو و آداب و رسوم ایرانیان است. سفرنامه وی از این جهت منحصر به فرد است که در گذشته تعداد مسافران و سیاحان زن انگشت‌شمار بوده‌اند. باید دقت کرد کسانی مانند مادام دیولافوا و مری شیل به همراه همسران خود و به واسطه شغل آنان به ایران آمده‌اند، در حالی که کارلا سرنا به تنهایی سفر کرده بود و هم از این نظر و هم از جهت نگاه زنانه‌اش، سفرنامه بی‌مانندی نگاشته است. وی در سفر اول ناصرالدین‌شاه به اروپا با وی آشنا شد و تمایل یافت به ایران سفر کند. پس از یک سال اقامت در ایران، در سال ۱۸۷۸م/۱۲۵۷ش، کمی بعد از عزیمت ناصرالدین‌شاه برای دومین بار به سفر اروپا، کشور ما را ترک کرده است. او در محرم سال ۱۲۹۵ق/۱۲۵۷ش در مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی تکیه دولت شرکت کرد و مشاهدات خود را به نگارش درآورد. وی در این باره می‌گوید: «سالگرد وفات خاندان حضرت علی (ع) با مراسم مذهبی خاصی برگزار می‌شود. برای شیعیان ماه محرم شبیه هفته مقدس مسیحیان است و تعزیه‌هایی در این ماه برگزار می‌شود که در آنها مصیبت اولاد و یاران امام را به معرض نمایش می‌گذارند.»^۲ مادام کارلا سرنا پیش از آغاز توصیفات خود از مراسم مذهبی در تهران سال ۱۲۵۷، درباره چگونگی ساخت تکیه دولت توضیح می‌دهد. به روایت کارلا سرنا، پیش از ساخت تکیه دولت، مراسم سوگواری و اجرای تعزیه‌ها در چادرهای عظیمی انجام می‌شد که پیش از شروع محرم در مکان‌های مختلف بر پا می‌شد، اما واژگونی این چادرها در اثر طوفان شدید سال ۱۲۴۲ش، ناصرالدین‌شاه را به فکر احداث تکیه‌ای متصل به کاخ انداخت تا ظرفیت پذیرش جمعیت بیشتری را داشته باشد.



پرتره نقاشی از چهره مادام کارلا سرنا

• ساختمان تکیه

کارلا سرنا به مشکلات و دشواری‌های ساخت چنین تکیه عظیمی می‌پردازد که بتواند افراد بیشتری را در خود جای دهد، درعین حال از نگاه زیبایی‌شناسانه ایرانیان نیز حظ می‌برد و به دقتی که ایرانیان برای تزئینات فضای درونی تکیه به کار می‌برند اشاره می‌کند: «نحوه تزئین و آرایش تکیه در اوقات برگزاری تعزیه در نوع خود تماشایی است: از قالی‌ها، پارچه‌های منقش دیواری، منسوجات، گل‌های مصنوعی، آینه‌ها، شمعدان‌های چندشاخه و چلچراغ‌ها برای زیباتر جلوه دادن آن استفاده می‌شود. دیوارها با نقاشی‌هایی به سبک عجیب و غریب و با رنگ‌های مختلف تزئین می‌گردد. در وسط تکیه نیز جایگاه بلندتری به نام سکو قرار دارد که آنجا را با فرش‌هایی پوشانده‌اند که صحنه نمایش است و به بازیگرها اختصاص دارد.»^۳ افزون بر تزئینات تکیه، آنچه برای کارلا سرنا جلب توجه می‌کند جایگاه‌هایی است که برای شاه و زنان حرمسرایش در تکیه تدارک دیده شده بود. او این تفکیک را نوعی تمایز طبقاتی می‌پندارد که شاه را برتر از مردم عادی، حتی در مراسمی مذهبی، می‌نشانند. البته کارلا سرنا توضیح می‌دهد که تکیه دولت فقط برای بزرگان و درباریان یا زنان حرمسرا نبوده است، بلکه مثل هر تکیه دیگری همه می‌توانسته‌اند در آن شرکت کنند و به عنوان تماشاگر حضور داشته باشند. او در جای دیگری از سفرنامه‌اش می‌آورد که: «تماشاچی‌ها در صحن تکیه، در قسمت در ورودی عمومی آن روی زمین می‌نشینند. یک طرف تالار برای مردها و یک طرف دیگر آن برای زن‌هاست و تعداد زیادی هم بچه برای تماشا به آنجا

می‌آیند.» همچنین، درباره اهمیت این جایگاه‌ها می‌نویسد: «گاهی از عده‌ای دعوت به عمل می‌آورند و مدعوین در جایگاه‌های خاص قرار می‌گیرند. اگر تکیه جایگاه خاص نداشته باشد، در جاهایی که با فرش‌های گران‌قیمت مفروش شده یا در کنار پنجره‌های بیرونی که به حیاط باز می‌شوند به مدعوین جای می‌دهند. زنان جای مخصوصی دارند، ولی از هر طبقه که باشند به‌طور مخلوط با هم در یک جا می‌نشینند. مثلاً زن فلان اعیان در کنار یک زن گدا یا خانم مشخصی پهلوی یک زن معمولی قرار می‌گیرد.»^۴ به نظر می‌رسد که سوای شاه و زنانش و پاره‌ای از دعوت‌شدگان به مراسم، باقی مردم در نشستگاه‌ها تمایزی نداشتند و کارلا سرنا با طرح این موضوع بر نکته اجتماعی مهمی دست می‌گذارد. به علاوه، حضور و شرکت نوجوانانی از خانواده‌ها و طبقات بزرگ شهری به عنوان سقا در مراسم سوگواری باعث حیرت کارلا سرنا می‌شود و می‌نویسد: «تعداد زیادی سقا، سبویه دوش و کاسه به دست به یاد تشنه‌لبان خاندان علی (ع) میان مردم آب قسمت می‌کنند.» کارلا سرنا از اینکه در میان این سقاها نوجوانانی نیز از طبقات و خانواده‌های بزرگ هستند حیرت کرده و توضیح می‌دهد که ایرانیان انجام هر گونه عملی در تکیه را نوعی فریضه دینی تلقی می‌کنند و انجام این کار توسط بزرگان را عیب نمی‌شمارند.^۵

این سیاح ایتالیایی پس از آنکه نحوه چیدمان بزرگان و مردم عادی را در تکیه توضیح می‌دهد، به ساختار اجرایی تعزیه می‌پردازد و با تأکید بر اینکه با شروع مراسم سقاها مشک‌های خود را به کناری می‌نهند و همه ساکت می‌شوند، به نحوه شروع تعزیه اشاره می‌کند: «یک دفعه صدای رعب‌انگیز شیپورها در فضا می‌پیچد. نوای پیش‌درآمد با آلات موسیقی عجیب و غریب و بسیار بزرگ نواخته می‌شود. آنگاه صغیر زیر سرناها با صداهای دیگر در هم می‌آمیزد. ترنم این آهنگ نشانه آغاز نمایش است. صدای پرطنین شیپورها از بالای دیوارهای تکیه تا فاصله‌های دور به بیرون رفته و در گوشه و کنار شهر طنین‌انداز می‌شود و به همه مؤمنان اعلام

۴- همان، ص ۱۶۸.

۵- همان، ص ۱۶۵.

می‌کند که تعزیه در شرف شروع شدن است.^۶ کارلا سرنا سپس به ترکیب بازیگران تعزیه و نقش‌های مذهبی آنان می‌پردازد. او توضیح می‌دهد که تمام بازیگران مرد بوده‌اند و حتی نقش زنان را کودکان و نوجوانان ایفا می‌کرده‌اند. او بازیگران را شامل دو گروه می‌داند: بازیگران حرفه‌ای که با صدای خوش میان تکایا می‌چرخیدند و دستمزد می‌گرفتند و افراد غیرحرفه‌ای که بدون دریافت حق‌الزحمه و برای بهره‌مندی از لطف الهی این کار را انجام می‌دادند.

تعزیه‌گردانان و بازیگران نقش‌های مذهبی همه مرد هستند. نوجوانان و کودکان نقش زنان را ایفا می‌کنند. بعضی از آنها دارای هنر خاصی نیز هستند و بعضی دیگر تنها آواز بسیار خوشی دارند و مرتباً از تکیه‌ای به تکیه دیگر می‌روند. علاوه بر بازیگران حرفه‌ای که نقش‌های اصلی را ایفا می‌کنند، کسانی هم هستند که حق‌الزحمه‌ای دریافت نمی‌کنند، ولی ظاهر شدن در تکیه از نظر آنان شرکت در یک امر خیر است. اینها در واقع نقش سیاهی‌لشکر را دارند و تعداد زیادی از کودکان را خوب لباس پوشانیده و در نقش فرشتگان یا پسران و دختران امام از وجودشان در صحنه استفاده می‌کنند. از نظر پدر و مادرها ایفای چنین نقشی کافی است که لطف و رحمت «الله» را شامل حال آنان گرداند.^۷

با توجه به اشاره‌های این سیاح ایتالیایی، در تکایای مختلف علاوه بر گروه تعزیه‌خوان، مداحانی نیز به منظور نوحه‌خوانی حضور داشته‌اند: «تعداد زیادی سید و روضه‌خوان برای خواندن روضه‌های مناسب روز به تکیه دعوت می‌شوند. اگرچه بعضی از این گروه‌های مذهبی را روحانیون شخصاً قبول ندارند، ولی آنان سخت مورد علاقه و تکریم مردم هستند. مهارت و نفوذ بیانشان مانند بازیگران

۶- همان، ص ۱۶۶.

۷- همان، صص ۱۶۹-۱۶۸.

هنرمند نمایش‌نامه‌های غم‌انگیز اشک از چشم حاضران جاری می‌کند.^۸ تمایزی که کارلا سرنا میان مداحان قائل است نشان از نگاه تیزبین او و درک تفاوت‌های اجتماعی در جامعه ایران است.



چلچراغ و تزئینات پرنقش‌ونگار تکیه دولت در حضور انبوه مردم

به گواهی سفرنامه‌ها و ازجمله سفرنامه کارلا سرنا، برگزاری آیین‌های محرم به تکایای بزرگ یا تکایای سلطنتی منحصر نبود، بلکه در نقاطی از شهر که تکیه ثابت وجود نداشت مراسم در میدان‌های عمومی، رواق مساجد و حیاط خانه‌ها بر پا می‌شد. وی می‌نویسد: «مانند تکیه شاه (دولت) ورود به تکیه‌های دیگر نیز برای عموم آزاد است. چون هر چه بیشتر جمعیت در آنها حضور به هم رسانند دلیل مقبولیت برنامه‌های آنها است.»^۹ به گفته او، در سطح شهر تهران تکیه‌های زیادی بوده است. البته او از آنها نامی نمی‌برد و فقط به بزرگی و کوچکی آنها اشاره کرده و می‌نویسد: «فضای چند تکیه تهران برای پذیرفتن هزاران تماشاچی وسعت دارد، ولی تکیه‌های دیگر فقط برای چندصد نفر ظرفیت دارند. در بسیاری از آنها شب و روز مراسم دایر است. برای حاضران چایی و قهوه می‌دهند و میان مستمندان برنج و لواش قسمت می‌کنند.»^{۱۰} همان‌طور که در این نمونه می‌بینیم،

۸- همان، ص ۱۶۸.

۹- همان، ص ۱۶۰.

۱۰- همان، ص ۱۶۸.

او در میان توصیف‌هایش به اقتصاد تکایا نیز توجه کرده است، زیرا وسعت تکایا و خدمت‌رسانی شبانه‌روزی و تأمین مالی آنها باعث تعجب و تحسین کارلا سرنا شده است. او می‌نویسد که هزینه‌های اصلی را معمولاً درباریان، مقامات، مالکان و تاجران ثروتمند تأمین می‌کردند، اما افراد کم‌بضاعت نیز با مشارکت دسته‌جمعی در خرید یا اجاره زمین یا وقف پول، فرش و پارچه در این امر خیر سهیم می‌شدند و به ثواب جمعی آن اعتقاد و باور راسخ داشتند. «تعداد زیادی از این نمایش‌ها که بانی آنها درباریان، مقامات بلندپایه، مالکان عمده و تاجران پولدار است در محلات مختلف ترتیب داده می‌شوند. اشخاصی که ثروت کافی برای تحمل هزینه‌های راه‌انداختن تکیه‌ای را ندارند به سهم خود مبلغی تقبل می‌کنند.»^{۱۱} این کار که برای ثوابش به شدت مورد توجه قرار می‌گیرد به اشکال مختلفی نمود می‌یابد تا بتواند بخشی از امور را اداره کند: «گاه به طور دسته‌جمعی زمینی می‌خرند یا برای ماه محرم آن را اجاره می‌کنند. گاه وقف پول یا اهدای هدیه‌هایی از قبیل پارچه، فرش و چیزهای دیگر به تکیه عمل بسیار ستایش‌انگیزی است.»^{۱۲} او سپس توضیح می‌دهد مسئولان تکیه‌ها با فرارسیدن ماه محرم از مغازه‌داران بازار برای تجهیز تکیه کمک می‌خواهند تا وسایلی را در اختیارشان بگذارند که برای تزئین صحنه نمایش استفاده شود و عموماً پس اتمام ماه محرم به نفع تکیه ضبط می‌شده است. از نظر او، همین باور به ثواب اخروی باعث می‌شد هر کسی به هر شیوه‌ای که می‌تواند در این مراسم شرکت جوید. برای نمونه، به دامداران و قاطرچیان اشاره می‌کند و می‌نویسد: «اغلب تکیه‌ها به قدری وسعت دارند که در آنها شترها و اسب‌ها و قاطرها که جزئی از لوازم این‌گونه نمایش‌های مذهبی هستند بتوانند روی صحنه جولان دهند. گاه برای این منظور از حیوانات کاروانی که برحسب تصادف از آن شهر می‌گذرد استفاده می‌کنند. چون شرکت در این مراسم و کمک به برگزاری هرچه باشکوه‌تر تعزیه ثواب بزرگی تلقی می‌شود، شتربانان و قاطرچی‌ها برای نیل به چنین فوز عظیمی با شتاب تمام بار حیوان‌ها را خالی می‌کنند و آنها را به وضع آبرومندی تزئین کرده و در

۱۱- همان، ص ۱۶۹.

۱۲- همان، ص ۱۶۷.

اختیار تعزیه‌گردان‌ها می‌گذارند.»^{۱۳} کارلا سرنا درباره زندگی و نحوه شهادت امام حسین (ع) نیز به پرسش و جست‌وجو پرداخته و در پایان به کوتاهی تاریخچه این قیام را بررسی کرده است.



تکیه دولت با حضور مردم

۳. لیدی مری شیل و بازنمایی تعزیه ایلچی فرنگ

لیدی مری شیل، همسر جستن شیل، وزیرمختار انگلیس در ایران در زمان ناصرالدین‌شاه، بوده است. او در ۱۸۴۹م/۱۲۲۷ش، به همراه همسرش و چهار خدمه به ایران وارد شد. سفر این گروه، سه سال و ده ماه به طول انجامید. شیل در این مدت به نوشتن خاطرات سفر خود و جریان امور و اتفاقات داخلی ایران پرداخت و اثر خود را با عنوان جلوه‌هایی از زندگی و آداب و رسوم ایران در سال ۱۸۵۶م/۱۲۳۴ش به چاپ رساند. او که هم‌زمان با ماه محرم در تهران حضور داشته است، برخلاف کارلا سرنا، نگرش ویژه‌ای به این مراسم ندارد و شدت بروز احساسات را در آن مذمت می‌کند. وی درباره نحوه برگزاری مراسم عزاداری شیعیان می‌نویسد:

ماه دسامبر امسال مصادف با ماه محرم بود. در این ماه، شیعیان مراسمی به عنوان یادبود و ذکر مصیبت امام حسین (ع) و خانواده اش در صحرای کربلا برگزار می کنند. این واقعه به قدری ایرانی ها را تحت تأثیر قرار داده است که جریان آن را به صورت یک برنامه نمایشی درآورده اند. باید صحنه هایی را که برای یادآوری این واقعه ترتیب داده شده و حرکات ایرانی ها را دید تا بتوان وضع را کاملاً تصور نمود: از هر گوشه ای صدای مداوم ناله و زاری همراه با نثار نفرین و دشنام به مرتکبین این جنایت درباره نوه پیغمبر و خانواده او شنیده می شود. گاه هیجان و احساسات مردم به جایی می رسد که ایفاکننده نقش شمر هدف ناسزای مردم قرار می گیرد و به زحمت می تواند خود را از شر نگاه های غضب آلود در امان نگه دارد.^{۱۴}

ناگفته پیداست که مری شیل آن نگاه کنجکاوانه و تیزبین کارلا سرنا را در توصیفاتش ندارد و برگزاری مراسم سوگواری را حوصله سربر تلقی می کند. او از اینکه صبر و حوصله کافی برای تماشای تمام برنامه های دهه اول محرم را نداشته است احساس شرمساری می کند: «این برنامه معمولاً ده روز ادامه دارد که هر روز به مدت چند ساعت اجرا می شود و باید با کمال شرمساری اعتراف کنم که صبر و حوصله و کنجکاوی من آن قدر نبود که بتوانم طاقت تماشای آن برنامه ها را داشته باشم و تنها به مشاهده چند برنامه آن اکتفا نمودم.»^{۱۵}

تنها مراسمی که توجه لیدی شیل را برمی انگیزد تا درباره آن بنویسد برنامه ای به نام ایلچی فرنگ است. شرحی که وی درباره ایلچی فرنگ می آورد چنین است: «یکی از برنامه های این ده روز، نمایش ایلچی فرنگ است که به عنوان سفیر خیالی یکی از کشورهای اروپایی (محتماً یونان) در بارگاه یزید به هنگامی که سر بریده امام حسین (ع) را به بارگاهش می برند حضور داشته و با دیدن این منظره نسبت به این کشتار وحشیانه اعتراض می کند و سرانجام بر اثر همین بی مبالایی

۱۴- لیدی مری شیل، خاطرات لیدی شیل، صص ۶۷-۶۶.

۱۵- همان، ص ۷۰.

به افتخار شهادت نائل می‌گردد. معمولاً اشتیاق فراوانی وجود دارد که مدل لباس این سفیر حتماً به صورت اروپایی باشد و بالاتر از همه کج کلاه پرداری هم به سر نهاده باشد. چند سال پیش نیز نمایندگان به سراغ شوهرم آمدند تا لباس و کلاه او را برای استفاده ایلچی فرنگ قرض کنند.^{۱۶} با وجود این، لیدی شیل با اشاره به ویژگی ایرانیان در سوگواری دسته‌جمعی اذعان می‌کند که خود نیز بارها تحت تأثیر این مراسم قرار گرفته و با زنان ایرانی هم‌نوا شده است.

حضور در چنین مجلسی که چندین هزار نفر در ماتم و اندوه عمیقی فرو رفته‌اند برای من بسیار غریب بود. چون اصولاً ایرانی‌ها در گریه و زاری خصوصیات ویژه‌ای دارند. موقعی که یکی از آنها شروع به گریه کرد بقیه هم به او تأسی می‌کنند و ناگهان همه را گریه فرامی‌گیرد. گاهی اوقات من هم حس می‌کردم بر اثر شنیدن این همه آه‌ناله اشکم آماده‌ی سرازیر شدن است و بازن‌های ایرانی اطراف خودم در عزاداری شرکت می‌کردم که البته این موضوع خیلی باعث خوشایند آنها می‌شد، ولی باید اذعان نمایم که بعضی از قسمت‌های این برنامه آن‌قدر عمیق و پراحساس اجرا می‌گردید که فوق‌العاده متأثرکننده بود.^{۱۷}



ورودی اصلی تکیه دولت

۱۶- همان، ص ۶۷.

۱۷- همان، ص ۷۰.

۴. نتیجه گیری

براساس آنچه گفته شد، مراسم محرم و سوگواری شهادت امام حسین (ع) در دوره قاجاریه، دست کم در تهران، با برگزاری برنامه های متعدد و متنوعی اجرا می شده است. در حقیقت، شاهان قاجار، به ویژه ناصرالدین شاه، از عزاداری محرم برای تثبیت مشروعیت دینی خود بهره می بردند. ساخت تکیه دولت در تهران اوج این حمایت ساختاری بود که نماد معماری مذهبی-حکومتی آن عصر محسوب می شد. علاوه بر جنبه مذهبی این مراسم، باید گفت که ساختار همبستگی اجتماعی محلات را نیز تقویت می کرده است. همچنین از منظر اجتماعی، برپایی سفره های محرم نقشی کلیدی در تعدیل ناامنی غذایی فقرا ایفا می کرده است، زیرا بر اساس روایت کارلا سرنا، اقتصاد تکایا با پیشگامی شاه و درباریان و افراد متنفذ و متول و با همراهی تجار و بازرگانان، که یکی از مهم ترین طبقات اجتماعی عصر قاجاریه بودند، در جریان بود و دست کم برای مدتی محدود می توانست مؤثر واقع شود. نذورات و اطعام گسترده از سوی حکومت و تجار، هم روشی برای مشروعیت بخشی بود و هم نمادهای مذهبی را تقویت می کرد.

منابع

- سرنا، کارلا، سفرنامه مادام کارلا
سرنا؛ آدم ها و آیین ها در ایران، ترجمه
علی اصغر سیدی، تهران: زوار، ۱۳۶۲.
- شیل، لیدی مری، خاطرات لیدی
شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران:
فرهنگ نشر نو، ۱۳۶۲.



عزاداری محرم در دوران قاجار